

ادامه جادوی «هری پاتر»

احتمالا مجموعه کتاب‌های «هری پاتر» نوشته جی.کی. رولینگ محبوب‌ترین سری کتاب فانتزی در تاریخ است. تا به حال میلیون‌ها نسخه از این مجموعه کتاب فروخته شده و هشت فیلم نیز از روی آن ساخته شده که در سراسر دنیا طرفداران بی‌شماری دارد. ظاهرا یک نسخه کمیاب از چاپ نخست کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» که در ابتدا به قیمت ۳۰ پنس فروخته شده بود، ممکن است در یک حراجی

پیش‌رو به قیمت ۵۰۰۰ پوند فروخته شود. نخستین رمان از مجموعه داستان‌های هری پاتر، نوشته جی کی رولینگ پیش از آن‌که انتشارت «بلومزبری» فقط ۵۰۰ نسخه از آن را در سال ۱۹۹۷ چاپ کند، ازسوی ناشران متعددی رد شده بود. نسخه‌ای که به‌زودی در مزایده ارائه خواهد شد، توسط یک مجموعه‌دار اهل استافوردشر از کتابخانه ولورهمیتون خریداری شد. این مجموعه‌دار کتاب که در سال جاری

حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم «کت چرمی» که این روزها روی پرده سینماست، بعد از تحصیل در خارج از کشور و همکاری با کارگردانانی همچون بهرام بیضایی، به ایران بازگشته و پس از ساخت شش فیلم کوتاه، تجربه‌اش را در اولین فیلم بلند خود محک زده‌است. ماجرای این فیلم حول دخترانی می‌گذرد که دچار سوء مصرف موادمخدر هستند و کارمند بخش حراست سازمان بهزیستی (جواد عزتی) در یکی از روزهایی که برای سرکشی به این مراکز مراجعه می‌کند، متوجه این مورد و پیگیر اتفاقات می‌شود. اولین فیلم میرزامحمدی به دلیل وجود سه شخصیت جواد عزتی، محمدحسین مهدویان و کامران حجازی که این ترکیب را به طور کامل در فیلم «مرد بازنده» یا دوتایی در «زخم کاری» دیدیم، متوم می‌شود به تشابه فنا و داستان. میرزامحمدی اما معتقد است بر اساس الگوی فیلم‌های کلاسیک، سفر قهرمان در هر اثری که باشد یکی است و تنها فرم ارائه ممکن است متفاوت باشد. از طرف دیگر به نظر او به دلیل فقدان تنوع ژانر در سینمای ایران، تنوع قلمه‌گویی با محوریت سفر قهرمان در سینمای ما وجود ندارد و شاید اگر به جای این عوامل، اشخاص دیگری بودند، این صحبت‌ها مطرح نمی‌شد. به همین بهانه گفت‌وگویی با میرزامحمدی انجام دادیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.



نسرین بختیاری گروه‌فرهنگ‌و هنر



نگاه

بی نصیب از سیمرغ؛ حک شده در قلب تماشاگر

جواد عزتی بازیگری است که استعداداش را هم در فیلم‌های کم‌دی فروش مثل «اکسیدان» به کارگردانی حامد محمدی، «آینه بغل» به کارگردانی منوچهر هادی و «هزارپا» به کارگردانی ابوالحسن داوودی و هم در اجتماعی‌هایی مانند «آتابای» و فیلم جنگی «تنگه ابوقریب»، مجموعه فیلم‌های محمدحسین مهدویان ازقبیل «مرد بازنده»، «لاتاری»، «ماجرای نیمروز» و «ماجرای نیمروز؛ رد خون» نشان داده است. او که در این سال‌ها به‌تدریج به استناداردهای یک بازیگر صاحب‌سبک نزدیک شده، توانسته جایی هم در دل مخاطبان باز کند. او همیشه یک پای ثابت جشنواره فجر بوده و نظر مثبت داوران، تماشاگران و منتقدان را به‌دست آورده است. عزتی همچنین برای فیلم‌های مختلفی مانند ماجرای نیمروز، ماجرای نیمروز؛ رد خون و آتابای نامزد شده اما هنوز به دریافت سیمرغ نرسیده است. در واقع او سه بار به لب آب رفته اما بدون نوشیدن جرعه‌ای، بازگشته و درست است که برنده شدن در جشنواره، یکی از معیارهای شناخته شدن یک بازیگر یا حتی استقبال از فیلم در زمان اکران است اما همه‌اش نیست؛ چرا که محبوبیت او در قلب تماشاکاران حک شده و همچنان فیلم‌هایی که او در آن بازی می‌کند پرمخاطب است. او همچنین با نقش سرهنگ احمد خسروی در فیلم مرد بازنده در جشنواره فیلم فجر حضور داشت. گریم متفاوت او در این فیلم که سنش را چند سال پیرتر از سن واقعی‌اش نشان می‌داد و بازی‌اش با نقدهای مثبت و منفی بسیاری روبه‌رو شد. عزتی با بازی در نقش مالک مالکی سریال «زخم کاری» در شمایل فردی که سیر زندگی‌اش به شکل معکوس از طیف مثبت به خاکستری و منفی شدن پیش می‌رود، توانست دوباره در دل مخاطبان جا باز کند و حرفی برای گفتن داشته باشد. عزتی فعال‌ترین دوره حضور خود را در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر ازسنگراند و با پنج فیلم در این جشنواره بود. امیر رفیعی، معلم مدرسه کودکان کار در فیلم «خورشید» مجید مجیدی، مجید به‌عنوان زندانی محکوم به اعدام در «مغز استخوان» حمیدرضا قربانی، عطا در «دوزیست» برزو نیک‌نژاد، یحیی در آتابای نیکي کریمی و حجت در «شنای پروانه» محمد کارت جزو این نقش‌هاست که در میان تمام اینها بازی او در آتابای و شنای پروانه بیشتر به چشم آمد. در آن سال همه منتظر بودند که عزتی به‌دلیل بازی در شنای پروانه، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش‌اول مرد شود اما قریحه به‌نام آتابای زده شد و او برای این فیلم نامزد دریافت سیمرغ نقش مکمل مرد شد. عزتی سال گذشته با فیلم «کت چرمی» در چهلمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و در این فیلم کارمند بخش حراست سازمان بهزیستی بود. او یکی از روزها برای سرکشی از کودکان بی‌سرپرست مراجعه می‌کند و با موردی درباره سوء مصرف مواد در این مرکز مواجه می‌شود و مشکوک شده و دیدن این صحنه موجب می‌شود که پیگیر اتفاقات شود. عزتی که پیش از این در شنای پروانه عهده‌دار نقش حجت شد و نوعی سفر قهرمان را برای کشف حقیقت و اجرای عدالت طی کرد تا به هدفش برسد، در فیلم‌های کت چرمی و مرد بازنده همین مسیر را با موقعیتی متفاوت طی کرد. از آنجا که زمان زیادی از بخش مرد بازنده نمی‌گذرد و مشاور فیلمنامه کت چرمی هم محمدحسین مهدویان است، منتقدان در جشنواره بسیار بازی او را در کت چرمی مشابه بازی در مرد بازنده دانستند. این نظریه درست یا غلط می‌تواند یک بزن‌گاه و هشداری برای جواد عزتی باشد که خودش را در قالب یک شخصیت تکرار نکند تا نسخه جدید و خلاقانه دیگری از بازی‌اش را روی پرده سینما ببینیم.

۱ این درست است که شما قبلا چند فیلم کوتاه ساخته بودید، اما اولین سؤال این است که با توجه به تکرار تجربه فیلمسازان موفق قبلی، آیا شما ساخت فیلم کوتاه را یک آزمون و خطا برای ساخت فیلم بلند می‌بینید یا خیر؟

قبلا وقتی در جشنواره فیلم کوتاه با یکی از فیلم‌هایم حضور داشتم، به این اشاره کردم که فیلمسازی در کشور ما این مفهوم را به دست آورده که چند فیلم کوتاه بسازیم و بعد از آن بتوانیم فیلم بلند بسازیم، چون معیار و سنجشی برای سرمایه‌گذاران می‌شود. این نگرش غلط نیست اما نباید این نگاه غالب شود که فیلم کوتاه مسیری برای ساخت فیلم بلند است؛ چون فیلمسازان بسیاری داشتیم که بعد از چند فیلم کوتاه، فیلم بلند ساختند و موفق نبودند، چون داستان فیلمی که دغدغه ساختن آن را دارند، در قالب فیلم بلند نمی‌گنجد. علاوه براین، در سراسر دنیا فیلمسازانی داریم که تا پایان کار خود فیلم کوتاه می‌سازند، اما در ایران ما اینطورمی‌رای ارائه فیلم کوتاه نداریم و یک کارگردان با چالش‌های زیادی برای فیلمسازی روبه‌روست.

۲ کت چرمی اولین تجربه فیلمسازی بلند شماست، اما ایده این فیلم چطور به ذهن شما رسید و چطور اعتماد جواد عزتی را به عنوان یک بازیگر شناخته شده در این فیلم جلب کردید؟

زمانی که روی فیلم کوتاه «نام مرده» کار می‌کردم و روی مسائل کودکان تحقیقاتی انجام می‌دادم، با موضوعات و آدم‌هایی روبه‌رو شدم که باعث شد به خط داستانی کت چرمی برسیم. من با آقای مسعود هاشمی‌نژاد که حدود دو سال است همکار هستم، دو فیلم کوتاه کار کردم و این موضوع را در میان گذاشتم. بنابراین، از سال ۹۹ به شکل جدی روی فیلمنامه کار کردم. وقتی فیلمنامه آماده شد، چندان دنبال دفاتر مختلف برای ساخت فیلم نرفتم تا این‌که با کامران حجازی آشنا شدم که در آن زمان درگیر و دار کار در فیلم «مرد بازنده» بود. بنابراین، ما قبل از این‌که با آقای عزتی گپ و گفت داشته باشیم، با آقای حجازی فیلمنامه را مطرح کردم و ایشان هم آن را خواندند و دوست داشتند و علاوه بر این، فیلم‌های کوتاه قبلی من را دیدند و در نهایت با گفت‌وگو به این نتیجه رسیدیم که این فیلم را بسازیم. از همان ابتدا گزینه جدی من و آقای حجازی برای ساخت فیلم، جواد عزتی بود و توانستیم با ایشان درباره روندی که در فیلمنامه اتفاق می‌افتد صحبت کنیم. آقای عزتی فیلمنامه را خواند و هنوز دایلوگی که بعد از خواندن فیلمنامه مطرح کرد را به یاد دارم که گفت: «هنوز فیلمنامه‌هایی وجود دارند که من را جذب کنند». این باعث شد در آن بازه زمانی متوجه نظر مثبت او برای کار در کت چرمی شویم و در مراحل بعدی فیلمنامه با هم گپ‌وگفت‌های بیشتری داشتیم و علاوه‌براین، فیلم‌های کوتاه‌هم را دیدند و در نهایت این اعتماد جلب شد. آقای عزتی در کل پروژه، در بخش یازنویسی فیلمنامه، پیش‌تولید و تولید به‌شدت همراه بود و ایده‌های خوبی می‌داد.

۳ کت چرمی چه تازگی‌ای برای شما داشت که تصمیم قطعی را برای ساخت آن بگیرید؟

سال ۹۹ مستندی به نام «خارج از محدوده» ساختم که درباره یک کمپ ترک اعتیاد در شهر مشهد و محله توس بود. در حال کار کردن روی این مستند بودم که با پرونده‌ها و موضوعات مختلفی روبه‌رو شدم و به سمت آنها گرایش پیدا کردم. زمانی که «نام مرده» را ساختم، شیی که در یکی از این کمپ‌ها در حال شناخت آدم‌ها و رویکرد زندگی‌شان بودم، دختر خانی به من جمله‌ای گفت و آن این بود: «شاید هیچ وقت نفهمی که چقدر سخت است شب‌ها راه بروی و روزها بخوابی»، چون حس امنیت در شب نداشت و برای این‌که یک جا ساکن نباشد، شب‌ها در حال راه‌رفتن بود. من همان یک بار دیدمش اما آن جمله‌اش همیشه در ذهنم باقی ماند. بنابراین، این برایم دغدغه بود که ما همیشه درباره مقوله اعتیاد، بدبختی‌های آن و اتفاقاتی که درگیر آن هستیم در فیلم‌ها حرف می‌زنیم و آنها را نمایش می‌دهیم اما برایم واژه جبر اعتیاد، اهمیت داشت. به‌عنوان مثال، یکی از سوزهای تحقیق که یک بچه ۱۴ساله بود، به من گفت اولین بار مادرش برای آرام شدن درد، بدون این‌که بداند به او تریاک داده بود. من به این جبر اعتیاد می‌گویم، بیشتر هم روی آدم‌هایی که با جبر اعتیاد روبه‌رو شدند و این‌که چطور می‌خواهند خودشان را از این مهلکه نجات دهند تمرکز کردم.

۴ چقدر ساخت کت چرمی زمان برد، چه چالش‌ها و سختی‌هایی برای ساخت فیلم داشتید؟

حدود دو ماه فیلمبرداری ما در پاییز ۱۴۰۱ طول کشید و من حدود ۴۵ لوکیشن فیلمنامه آماده شد، چندان دنبال دفاتر مختلف برای ساخت فیلم نرفتم تا این‌که با کامران حجازی آشنا شدم که در آن زمان درگیر و دار کار در فیلم «مرد بازنده» بود. بنابراین، ما قبل از این‌که با آقای عزتی گپ و گفت داشته باشیم، با آقای حجازی فیلمنامه را مطرح کردم و ایشان هم آن را خواندند و دوست داشتند و علاوه بر این، فیلم‌های کوتاه قبلی من را دیدند و در نهایت با گفت‌وگو به این نتیجه رسیدیم که این فیلم را بسازیم. از همان ابتدا گزینه جدی من و آقای حجازی برای ساخت فیلم، جواد عزتی بود و توانستیم با ایشان درباره روندی که در فیلمنامه اتفاق می‌افتد صحبت کنیم. آقای عزتی فیلمنامه را خواند و هنوز دایلوگی که بعد از خواندن فیلمنامه مطرح کرد را به یاد دارم که گفت: «هنوز فیلمنامه‌هایی وجود دارند که من را جذب کنند». این باعث شد در آن بازه زمانی متوجه نظر مثبت او برای کار در کت چرمی شویم و در مراحل بعدی فیلمنامه با هم گپ‌وگفت‌های بیشتری داشتیم و علاوه‌براین، فیلم‌های کوتاه‌هم را دیدند و در نهایت این اعتماد جلب شد. آقای عزتی در کل پروژه، در بخش یازنویسی فیلمنامه، پیش‌تولید و تولید به‌شدت همراه بود و ایده‌های خوبی می‌داد.

درگذشت، از دوران دانش‌آموزی روند جمع‌آوری کتاب را آغاز کرده بود.

پس از درگذشت این مجموعه‌دار در ۵۵ سالگی، گروهی از متخصصان یک حراجی با بررسی مجموعه متعلق به این مرد انگلستانی، این نسخه کمیاب کتاب هری پاتر را کشف کردند. این نخستین باری نیست که یکی از کتاب‌های هری پاتر و سنگ جادو با قیمت قابل توجه به مزایده گذاشته می‌شود./ ایسنا

در گفت‌وگوی حسین میرزا محمدی، کارگرد

مواجهه بی‌واسطه س



مسیر فیلمسازی خود را هموار کردید که در عین گفتن معضلات اجتماعی، چندان روی نمایش تلخی‌ها تمرکز نکنید و ذهن مخاطب هم خسته نشود؟

به‌طور کلی کار کردن در حوزه فیلم‌های اجتماعی در ایران هم به جهت دایره موضوعاتی که به آن می‌پردازید و هم به دلیل محدودیت‌های موجود، سخت است اما معتقدم سینمای اجتماعی باید سایه روشن باشد؛ یعنی در بخش‌هایی

شما تیرگی را می‌بینید و در عین حال روشنایی و سایه روشن را هم می‌بینید و این همان زندگی‌عادی است. گاهی در زندگی عادی

و در بخش‌هایی که چالش داشتیم، ایده‌های بسیار خوبی به ما می‌داد. این کمک‌ها برای من به‌عنوان کارگردان اول که بازیگران شناخته‌شده و چهره در فیلم حضور دارند، خیلی خوب بود و با هم زیاد گپ‌وگفت داشتیم. آقای مهدویان همچنین چهار یا پنج جلسه در طول فیلمبرداری آمدند و در آن جلسات ایده‌های خوبی به من می‌دادند، یکی از کمک‌های اصلی مربوط به ایده پردازی بخش پست پروداکشن بود.

۵ برای ساخت فیلم‌های اجتماعی، معمولا فیلمسازان در بخش محتوا و مضمون با چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ یعنی باید روی مرز تلخی و امید حرکت کنند و خوشبینانه فیلم شما چندان به «فلاکت» نپرده‌اخته است. چطور



نمایشگاه

«متالوژی هنر» در باغ موزه نگارستان

«متالوژی هنر» عنوان مجموعه جدید آثار محمد محمدزاده‌تیتکانلو است که توسط مرکز اقتصاد هنر فاطر (گالری ماهر) در باغ‌موزه نگارستان تا ۳۰ تیرماه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

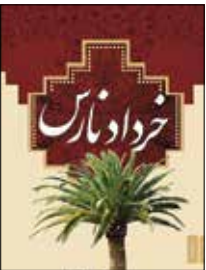


در این نمایشگاه ۲۳ مجسمه ۱۳ تا ۱۴۰ سانتی‌متری به نمایش درآمده است. محمد محمدزاده‌تیتکانلو درباره این نمایشگاه می‌گوید: «چهار مجسمه از مجموعه‌ای که در باغ‌موزه نگارستان به نمایش درآمده است سال ۱۳۷۴ خلق و ۱۹ مجسمه دیگر طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ ساخته شده‌اند. جنس مجسمه‌ها اغلب از فلز آهن است که در برخی از مجسمه‌ها با آلیاژهای دیگر نیز ترکیب شده است. تمامی مجسمه‌ها با استفاده از فلزات نو و کهنه با جوشکاری برق ساخته شده و در پایان با رنگ فئودای تیره، رنگ‌آمیزی شده است.»

متالوژی هنر از ۲۷ خرداد آغاز شده و تا جمعه ۳۰ تیر همه‌روزه از ساعت ۱۰ الی ۱۸ در باغ‌موزه نگارستان واقع در تهران، خیابان بهارستان، خیابان دانشسرا دایر است./ ایلنا

پیشخوان

رونمایی از کتاب «خرداد نارس»



جشن رونمایی کتاب کار تبلیغی برای کتاب است که تقریبا همه نویسندگان آن را انجام می‌دهند. به‌تازگی آیین رونمایی از کتاب «خرداد نارس» با حضور زهره طالابی‌علی، نویسنده کتاب در کتابشهر ایران شعبه اهواز برگزار شده است. این کتاب شامل مجموعه ۱۵ داستان کوتاه است که به‌تازگی توسط نشر صاد منتشر و روانه بازار نشر شده است. هر داستان از این کتاب پرشی از زندگی آدم‌های است که سبک زندگی، باورها یا آرزوهای‌شان آنها را به انزوا می‌کشاند. گاهی باید انتخاب کنند و گاهی اسیر انتخاب می‌شوند. تنهایی برای هیچ‌کدام‌شان مرگ‌آور نیست، فقط سکویی برای پرواز یا سقوط‌شان می‌شود. زنی نوزاد نارانش را در زیر خاک پنهان می‌کند، مردی مرگ مادرش را رقم می‌زند و دختری خواهر ناتنی‌اش را فراری می‌دهد. این مجموعه داستان حوالی آغاز و پایان انسان‌ها از لحظه‌ای است که می‌میزند تا لحظه‌ای که متولد می‌شوند، است. در این مجموعه نویسنده با زبانی خلاق و تشبیهاتی زیبا، لحظات مرگ و تولد دوباره شخصیت‌های داستانش را با پایانی غافلگیرانه به نمایش می‌گذارد./ مهر

حمله به کنسرت گرشا رضایی

تعدادی افراد ناشناس با قمه و چاقو به سالن سینما قدس سیرجان که کنسرت گرشا رضایی در آنجا در حال برگزاری بود، حمله کردند و ضمن ایجاد رعب و وحشت، شیشه‌های سالن کنسرت را شکستند. ظاهرا این افراد که قصد ورود به سالن کنسرت را داشتند با ممانعت عوامل حراست، قادر به ورود به سالن کنسرت نشدند و دو نفر از عوامل اجرایی را مضروب و مجروح کردند.

در پی این اتفاق منابع محلی می‌گویند گرشا رضایی و گروهش با اتوبوس و به سلامت از محل کنسرت خارج شدند.



قاب

